

الثاني: في المظاهر

مبحث دوم:ظهار کننده

ويعتبر فيه: البلوغ، وكمال العقل، والاختيار والقصد. فلا يصح ظهار الطفل، ولا المجنون، ولا المكره، ولا فاقد القصد بالسكر أو الإغماء أو الغضب. ولو ظاهر ونوى الطلاق لم يقع الطلاق؛ لعدم اللفظ المعتبر، ولا الظهار؛ لعدم القصد. ويصح ظهار الخصي، والمجبوب، وكذا يصح الظهار من الكافر، ويصح من العبد.

باید دارای چند شرط باشد: بلوغ، عقل سالم، اختیار و قصد. پس ظهار کردن بچه، دیوانه، کسی که مجبور شده، و کسی که قصد انجام این کار را نداشته است -مانند مست، بی هوش، یا خشمگین- صحیح نیست. اگر با قصد طلاق دادن لفظ ظهار را بگوید، طلاق واقع نمی شود -چون لفظ آن را به کار نبرده است- و ظهار نیز محقق نمی شود -چون قصد آن را نداشته است- و ظهار کردن کسی که اخته است، کسی آلتش قطع شده (خواجه است)، کافر، و برده صحیح است.

الثالث: في المظاهرة

مبحث سوم: زن ظهار شونده

ويشترط أن تكون منكوحة بالعقد الدائم أو المنقطع أو موطوءة بالملك. ولا يقع بالأجنبية ولو علّقه على النكاح.

زنی که ظهار می شود باید زن دائم یا موقت و یا مایملک مرد باشد، و ظهار کردن زن بیگانه حتی اگر مشروط به ازدواج باشد^(۱) محقق نمی شود.

وأن تكون طاهراً طهراً لم يجامعها فيه، إذا كان زوجها حاضراً، وكان مثلها تحيض. ولو كان غائباً صح، وكذا لو كان حاضراً وهي يائسة، أو لم تبلغ.

1- مانند این که به زنی بگوید: هر گاه تو را عقد کردم با تو ظهار می کنم. (مترجم)

اگر زن در سن حیض دیدن است و شوهرش نزد او باشد(2) باید در دوره‌ای از پاکی که با او نزدیکی نشده است، قرار داشته باشد؛ اما اگر مرد غایب باشد و یا حاضر باشد ولی زن یائسه یا غیربالغ باشد، ظاهر صحیح است.

ويشترط الدخول، ومع الدخول يقع ، صغيرة كانت أو كبيرة مجنونة أو عاقلة. وكذا يقع بالرتقاء والمریضة التي لا توطأ.

در ظاهر کردن، نزدیکی شرط است و با وجود نزدیکی، ظاهر محقق می‌شود، چه زن کوچک باشد یا بزرگ، دیوانه باشد یا عاقل، و همچنین ظاهر بر زنی که از عقب با او نزدیکی شده است یا به دلیل بیماری امکان نزدیکی را نداشته باشد، واقع می‌شود.